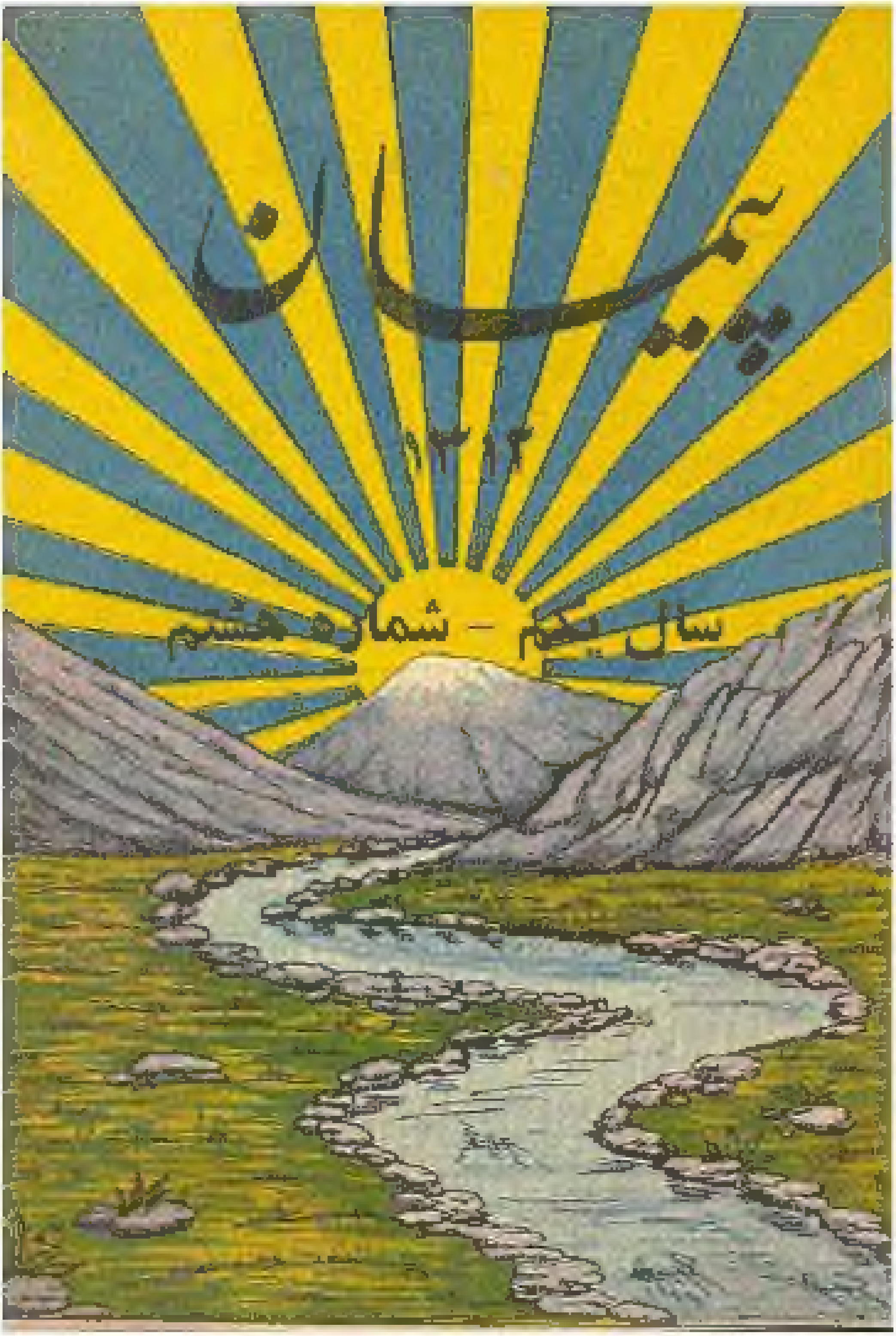
پیمان
۱۳۱۲
سال یکم - شماره هشتم

پیمان

۱۳۱۲

شماره ششم — ۱۶ اسفندماه ۱۳۱۲ — سال یکم

دارنده: کسروی تبریزی

این مجله ماهی دو شماره چاپ می‌شود

بهای سالانه	۱۰ ریال
تک شماره	۳۰ «

در بیرون ایران سالانه ۱۲ شلینگ و ۶ ماهه ۶ شلینگ

جای اداره: خیابان شاهپور کوچه قاپوچی باشی

[illegible]

مطبعه مهر

فهرست آنچه چاپ شده

گزارش شرق و غرب	پیمان	۱
اسلام و ایران	آقای کسروی	۹
کرامات و دست فشردن	پیمان	۱۷
گفتگو با عالم سیاح	آقای کسروی	۱۹
شرق غرب شمال جنوب	پیمان	۲۴
انتقاد کتاب خاندان نوبختی	آقای جواهر الکلام	۲۸
قطعه‌های تازه	پیمان	۳۳
تاریخ پانصد ساله خوزستان	(کتاب)	

نمایندگان پیمان

بیرجند	آقای ذبیح الله خان فصیح
تبریز	آقای خلیلی وکیل رسمی عدلیه
اصفهان	آقای میرزا علی خان جواهر الکلامی
مشهد	آقای میرزا محمود خان کسرایی
رشت	تجارتخانه پیک کلام
لنگرود	آقای میرزا علی آقای [illegible]
بابل	آقای وحید جهانی شهمیرزادی
اردبیل	آقای فیضی

رسیدهای اداره نزد آقایان فرستاده شده کسانیکه وجه اشتراک خود را به تهران نفرستاده اند در آنجا پرداخته رسید رسمی دریافت کنند

پیمان

۱۳۱۲

شماره هشتم — ۱۹ اسفندماه ۱۳۱۲ — سال یکم

گزارش شرق و غرب

۱- جنبشهای خونین در فرانسه

در این دو سه هفته جنبشهای مهمی در اروپا رویداده . چنانکه در شماره ۷ گفتیم در نتیجه رسوایی بایون کابینه شوتان افتاده کابینه دالادیه بکار برخاست . ولی همان روز پنجشنبه هفتم فوریه (۱۹ بهمن) هنگامی که دالادیه وزرای نوین خود را به پارلمان برای معرفی آورده نخست از خود پارلمان دشمنی بکابینه او نموده شد بدینسان که نماینده‌ای از دسته های دست چپ زبان به گله باز نموده نمایندگانی هم از دست راست پاسخگویی برخاسته شورش و جنبش پارلمان را فرا گرفت .

سپس در بیرون دسته‌هایی که سررشته‌داشتن خود را می‌شوند بهمدستی مردان جنگ‌دیده که آنان بزرگ دسته‌ای هستند از روی طرحی که از پیش ریخته بودند بنمایش و زور نمایی پرداختند و چون روی بسوی ایوان داشتند و پولیس جلوگیری برخاسته زد و خورد و کشاکش

آغاز شده کار بخونریزی کشید.

دو گروه با [illegible] در آمدند و این شگفت که شماره کشتگان را در یکجا شش تن نوشته‌اند جای دیگری دوازده تن می‌نویسد و آنگاه دیگری از بیست تا پنجاه تن بیش کرده زخمیان را هم چند تن گفته بیش خبر می‌دهند. شورش تا شب و نیمه شب و پس از نیمه شب هم کار بود و تنها در آخر شب بود که پلیس جلوه [illegible] را پایان داد [illegible] که [illegible] اینکه بهانه برای جنبش و خونریزی باز نماند کناره جویی خود را اعلام کرد. رئیس جمهور دومرگ را که گفتگو با رئیس جمهور فرانسه بوده و مرد نیکنامی است بدرس خواسته بود که وزیران بر گمارد.

مسیو دومرگ با آنکه از مدتها بگوشه تنهایی پرداخته از کار کناره گرفته بود در این هنگام سر از پذیرفتن وحشت وزیران از توده بی دولت تشکیل کابینه پرداخت و به دسته‌های راست و دست چپ نسبت و هوا خواهی نشان داده. با اینحال فردای آنروز که هشتم فوریه بود دسته‌های دست چپ نوبت نمایش را از آن خود دانسته پاسخ گویی کار دیروزی دسته های دست راست به نمایش برخاستند. این بار نیز زد و خورد و کشاکش در میانه چند تن کشته شده و کسانی زخمی گردیدند.

این داستان جنبش دسته های سیاسی فرانسه بود در آنزمان که روزنامه‌ها خبر این جنبش را می دادند و مردم همه جا سر گرم گفتگو درباره آن داستان بودند ناگهان در اتریش جنبش دیگری بسیار سخت‌تر و خونین‌تر برپا شده مردم را از یاد جنبشهای فرانسه غافل ساخت.

۳ - جنگ و خونریزی در اتریش

اتریش را همه میدانیم که تا بیست سال پیش یکی از دولتهای

بزرگ اروپا بود و فرانسوا یوسف امپراطور سالخورده آن یکی از چند کسی بشمار می رفت که رشته آرامش و شورش اروپا را در دست داشتند. چنانکه جنگ بزرگ سال ۱۹۱۴ اروپا نیز از این مرز خیزش برخاست که در نتیجه کشته شدن ولیعهد فرانسوا یوسف دولتها بهانه بدست آورده جهان را دچار آتش و خون ساخته و در همه مدت جنگ اتریش یکی از دولتهای بزرگ جنگجو بشمار بود و دوش بدوش آلمان و عثمانی با دشمنان می جنگید.

ولی در پایان جنگ که فرانسوا یوسف هم در آن زمان مرده بوده در اتریش شورشهایی برخاسته در نتیجه آن شورشها سرگذشت این امپراتوری جمهوری جدا گانه گردید که امروز بنامهای هنگری (مجارستان) و چکسلواکی و یوگوسلاوی و اتریش خوانده می شود.

آن بخشی که از همه اتریش نامیده می شود شامل شهر وین پایتخت امپراتوری کهن است. ولی چون یکرشته کوهستان در زمین های کم و پست و مردم آن اندازه شش ملیون نیز می باشد. چنانکه بسیاری از مدتهاست که آلمانها از جدائی این بخش از میهن در رنج اند و آرزوی آن دارند که آنها نیز جزو خاک آلمان باشند و چون در این باره کوششهای بسیار بکار برده اتریش را آسوده نمی سازند بخصوص رئیس الوزرای اتریش بر آن سر آمد که قضیه را در انجمن بزرگ اروپا (جامعه ملل) مطرح گرداند. ولی چون آلمان عضو آن انجمن نیست ترس داشت که نتیجه این کار چه باشد و برای آنکه انجمن آلمان را در آن کوششهای خود سامانگاه و بحق ندانست آیا از چه راه خواهد توانست حکم خود را اجرا نماید. داشتن چنین داوری بجز [illegible] که فایده داوری انجمن [illegible] چیست و چه نتیجه از آن بدست می آید مگر [illegible] خود

دولتهای بزرگ از انگلیس و فرانسه و ایتالیا خواستار استقلال اتریش باشند و گرنه از انجمن ژنو در این باره امیدی نتوان داشت.

از سخن دور نباشیم: در این اتریش کوچک بود که در ۱۲ فوریه (۲۳ بهمن) ناگهان جنگ خونین میانه دسته سوسیالان و کارگران از سوی و سپاهیان دولت در گرفت و چهار یا پنج شبانروز مدت کشید. از سالها در اتریش اندیشه بلشویکی رواج داشت زیرا گذشته از نزدیکی این سرزمین بخاک روسستان که امروز کانون بلشویکی است، سختی کار زندگی در اتریش که پس از جنگ جهانی است علت دیگری رواج آن اندیشه در میان رنجبران و کارگران اتریش می باشد.

با آنکه گزارش ده و اند ساله خاک روسستان پرده از روی کار بلشویکی برداشته و نتیجه آنرا در پیش چشم هر کسی هویدا گردانیده، با اینحال زندگانی کارگران و بیکاران در اروپا چندان دشوار و تنگ است که کسان انبوهی با آنهم هوادار بلشویکی می باشند و بپای خود بسوی آتش می روند.

در اینجاست که باید از کار اروپا عبرت برداشت؟ در اینجاست که کسانی که در مشرق سنگ اروپاییگری بسینه می زنند باید بخود با آمده از آن کار نادانی شرمنده و سر افکنده شوند!

گروهی که بداستان گرفتارانند و از سرمایه داری آمریکاشان گرفته تا بلشویکی روسستانشان جز گرسنگی و بدبختی توده انبوه مردم نیست. شگفتا سبکمغزی آن کسانی که آرزوی روز و حال آن گروه را دارند؟ ناسپاس مردمی که از این خوشیها و آسایشهای شرق بهره یاب گشته و قدر آن آسایش و خوشی را نمیدانند و بیخردانه در جستجوی اروپاییگری می باشند!

این حال اروپاست که گروه انبوهی برای آنکه راه روزی بروی آنان بسته نشود و بتوانند کار کرده لقمه نانی برای خود و خاندان خود پیدا کنند ناگزیر از دسته بندیها و نبردهای خونین می باشند. دسته بندی کارگران جز ترس از بیکاری و گرسنگی علت دیگری ندارد از این حال باید شرقیان عبرت برداشته از پیروی آیین زندگانی اروپا سخت بر کنار باشند. این پیش آمدهایی که در شهرهای اروپا روی می دهد هر کدام درس دیگری برای شرقیانست که باید آنها را در شناختن سود و زیان جهان هر چه آماده تر و بیناتر گرداند. ما نیز مقصودمان از سرودن این داستانها و گفتن این سخنها جز راهنمایی به برادران شرقی خود نمی باشد. این جنبشهای خونین در فرانسه و اتریش اگر کسانی معنیهای دیگری باینها دهند پیش ما جز دلیل بیچارگی و آوارگی اروپاییان نیست. از درماندگی که تباه زندگانی را فقط برداشته اند مردم یک کشور و یک خانگی سر یک لقمه نان خون همدیگر را می ریزند. مردمی که باید برادروار دست بهم داده خوش و آسوده روزگار بگذرانند دسته دسته دشمنی یکدیگر بسته همچون درندگان بدریدن همدیگر بر می خیزند.

اگر بلشویکی آزموده نشده و جهانیان نتیجه آنرا با چشم ندیده بودند کسانی معذور بودند که در راه آن جانبازی نمایند ولی امروز آیا میتوان کسی را در چنین کاری معذور داشت؟!

از آنسوی در سایه بکار رفته ابزارهای دوزخی کار زندگانی اروپا نه چنان سخت است که اگر کسانی برای گریختن از آن زندگانی درون آتش بدوند توان بر آنان نکوهش روا دید؟!

درحالیکه در انگلستان بیکاران کاروان بسته بپایتخت سفر میکنند و از درماندگی و ناچاری بجان می آیند گرسنگی تن در میدهند ولی

همچون دولت انگلیس که دست بر کشورهای دیگران یازیده و همی فیروزمند و مردم آموزی بر آنان می نماید نمیخواهد یا نمی خواهند که آن کشورها پیشرفته و چنین جای آیا بر کارگران ارتش در پیمودن آن راه خطا نکوهش می توان کرد ؟

در هر زمینی که آیین زندگانی پیچیده است می گفتگو نشد که چه خطا خواهد برخاست . مانند اینکه اروپا با همه پیشرفت در علوم و اختراع چگونه سختیها پدید آمده از آن زمان که بنیاد زندگانی آن کج نهاده شده و از اینجاست که ما فریاد زده هر زمان میگوییم :

«علوم و اختراعات از اروپا بر گیرید و در آیین زندگی راه دیگری پیروی او نکنید» !

سخن خود را نگردیم . از خود اروپا سخن رانیم در اکنون که شهر بزرگی در کنار ... اروپا است برخاست . پاییزمان که پولیس بعنوان جستجو از انبار جنگی سوسیالان دست در سوسیالان استادگی نموده پولیس را راه ندادند و یکی از پولیسان با تیر زدند . از اینجا کشاکش آغاز شده سوسیالان در همه جا با دولت نبرد آغاز کردند و در برخی از دیگر شهرها سنگر بندی کرده با تفنگ و توپ و شصت تیر جنگیدند . برخاستند دولت پولیس و همگی سپاهیان را با توپخانه و شصت تیر بجنگ فرستادند از همه جا ... که یکی از دستگاههای سیاسی اتریش است کشاکش خواست در آن چهار یا پنج روز که جنگ برپا بود هزاران کشته شده چندین هزار زخمی گردیدند .

در یکی از آگاهیها گفته میشود که کارگران در هر جایی که سنگر بندی داشتند انبارهای ... آماده گرد آورده اند که همگی

۲ — [illegible]

پس از [illegible] که [illegible] گرفتند [illegible]
دستگیر شده و [illegible] شکست [illegible]
محکمه [illegible] کرده [illegible] که [illegible]

[illegible]

چه [illegible]

[illegible]

در یادداشتهای [illegible] که در
آن [illegible] دیگری [illegible]

[illegible] چون [illegible]

[illegible]

[illegible] کار کردن و نان خوردن [illegible]

[illegible]

چیزیکه هست آن راهی را که کارل مارکس و دیگران [illegible] [illegible] راهی است که یکسره بسوی ویرانی جهان میرود [illegible] گشادن چنین راهی می‌کوشند دیگر حق دارند که آنان را [illegible] آسایش و آبادی جهان پنداشته بسر آنان بکوبند.

[illegible] توانگران و سرمایه‌داران که دشمن و حریف ایشان هستند [illegible] آورده هر فرصتی برای کوبیدن سر آنان غنیمت خواهند شمرد [illegible]

[illegible]

۲ رسوایی [illegible] در فرانسه

[illegible]

[illegible] کارگر استالینیکی دنبال نموده چنانکه آنها [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible] از این کار [illegible]

[illegible]

[illegible] که آمیز [illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

چنگیز که برای جنگ [illegible] [illegible] و اروپاییان [illegible] گذشته اند که [illegible] دستی [illegible] [illegible]

و آنگاه از [illegible] این کار [illegible] آور است [illegible] [illegible] می باشد چونکه [illegible] از [illegible] این [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] است [illegible] کسانی که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

[illegible]

[illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] میباشد [illegible] چنگیز [illegible] که [illegible] دستهای خودشان [illegible] [illegible] [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نمی کنند

[illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] می شماریم که [illegible] [illegible] [illegible] از [illegible] [illegible] آن چشم [illegible] که [illegible] [illegible] از این [illegible] آن بکوشند [illegible]

[illegible]

قانون [illegible]

اگر ما [illegible] که در قرن [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] می یابد [illegible] [illegible] چند سال [illegible] می کشند [illegible] که [illegible] [illegible] می [illegible] [illegible] [illegible] می [illegible]

پس اگر کسانی پس از صد سال جنگ [illegible] [illegible] شنیده چرا بر ما [illegible]

قانون دادگری

گفتگو با حاتم ساج

[illegible]

پیمان

شرق غرب شمال جنوب

گفتارهایی که درباره چهار سوی جهان و در معنی دو کلمه «..» و «..» در شماره‌های ۱ و ۲ و ۴ و ۵ پیمان چاپ کردیم خوانندگان را متوجه و برانگیخته و این است که نامه‌هایی در این باره رسیده.

یکی از خوانندگان می‌نویسد: «در اردبیل سمت آفتاب بگیر را «[illegible]» یا «[illegible]» و سمت آفتاب‌گیر را «آفتاب رو» می‌خوانند و ساختمان‌هایی که در سمت جنوب ساخته می‌شود چون آفتاب‌گیر است [illegible] و همیشه متعلق به شمال می‌باشد.

می‌گوید: «[illegible] در یکی از [illegible] که بجای از ساختمان‌های سمت شمال [illegible] می‌برد آن را [illegible] نگاشته و مشتق از [illegible] پیداست با آنکه [illegible] در زبان توده [illegible] می‌شود همه آن را [illegible] می‌گویند»

آقای [illegible] از [illegible] و دیگران ما که در زبان‌های تازی و تالشی آگاهی دارند از [illegible] می‌نویسند که در [illegible] های تازی و تالشی [illegible] می‌گویند که

تابش آفتاب در آنجا گسترش داشته است و در دری آن را «خوربر» «خوربر»
می [illegible]
یادآوری می کنند که اگر [illegible]
ها می در کوه ها که در دشت ها و بیابانهای هموار [illegible]
که می رود .

آقای میرزا محمد [illegible] از مطلعات می نویسد که در [illegible] «[illegible]» می گویند که آفتاب [illegible] «گرانش» کنار آنچه [illegible] باشد کاملاً «اللات» می خوانند و از بعد [illegible] که است که «[illegible]» [illegible] «[illegible]» گفته اند آن آفتاب گیر [illegible] مطلعات «[illegible]» یا «[illegible]» [illegible] می گویند و در گرانش آن [illegible] [illegible] «[illegible]» می گوید .

آقای صالح [illegible] در پیرامون موضوع مقاله فرستاده از جمله می نویسد که در گیلان شرق را «خورشید» و غرب را «خور [illegible]» می خوانند و «خوربرار» که معنی آفتاب برو می باشد با «[illegible]» که در پارسی باستان [illegible] نوشته اند کنون «[illegible]» گویند مصداق می باشد .

از این نوشته آقای صالح گرمی از کار موضوع نامهای چهارسو بالا می شود زیرا چنانکه در یکی از گفتار های پیشین گفته ایم «خوراسان» که در پارسی معنی مشرق بوده امروز هم در پارسی [illegible] و چنان شهرت یافته که دیگر برگردانیدن آن معنی [illegible] شدنی است .

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

[illegible]

مقدمهٔ خاندان نوبختی

۴

ب – عدم جامعیت کتاب در کلیهٔ مباحث مربوطه

مؤلف خاندان نوبختی بسی مختصر از مطالب و نکات مربوط [illegible]
از آن [illegible] کرده است از جمله
[illegible] حسن بن موسی نوبختی باشد
که [illegible] کتاب خود را بحسن نوبختی منسوب داشته [illegible] صفحه [illegible]
و ۱۴۹ کتاب خود تصریح میکند ولی پس از آن متجاوز از بیست صفحه
از کتاب خاندان نوبختی (از صفحه ۱۴۱ تا ۲۶۱) [illegible]
[illegible] کتاب الفرق
والمقالات نوبختی را به سعد بن عبد الله قمی اشعری مؤلف بصائر
الدرجات وغیره منسوب میدارد و بزعم خود تحقیقات علمی در این باب
نموده و مطالب تازه بدست آورده است و بالاخره در نتیجه تحقیقات ناقص
خود حکم کرده است که کتاب الفرق و المقالات حسن بن موسی نوبختی عین
کتاب مقالات والفرق سعد بن عبد الله است و [illegible]
این سهو واشتباه مؤلف خاندان نوبختی از این جهت روی داده
که در باب هر نسخه مربوطه اطلاعات جامعی بدست نیاورده و بیاقرار
خود (صفحه ۱۴۲) بدون تتبع کافی حکم بوحدت هردو نسخه [illegible]
[illegible] بایستی دانست که نسخه
[illegible]

آغاز و انجام مطالعه نموده طرز اسلوب تحریر و مطالب هر یک بقدری
مشابه و متمایز است که اصلا احتمال وحدت هر دو نسخه میرود هرگاه
موقع اطراد کلام میشد قسمتی از عبارات و مطالب دو نسخه را برای
اطلاع خوانندگان نقل میکردیم ولی برای نمونه مختصری از آغاز و
انجام هر دو نسخه را ذیلا درج میکنیم

آغاز کتاب الفرق تألیف حسن بن موسی بن نوبخت که نسخه
خطی آن اکنون نزد آقا سید حسن صدر مؤلف کتاب الشیعه والفنون
در کاظمین موجود است و اخیراً در سال ۱۹۳۱ میلادی کتاب مزبور در
اسلامبول طبع شده از این قرار است.

«الحمد لله المتوحد بالقدم والازلية الذي ليس له غاية في دوامه ولا
اولية في ازليته انشأ صنوف البرية لا من اصول كانت معه بديه [illegible]
اتخاذ الصاحبة و الاولاد و تعالى عن مشاركة الاضداد »

آغاز کتاب المقالات والفرق و اسمائها و صنوفها و القابها تألیف
سعد بن عبدالله قمی اشعری مؤلف کتاب بصائر الدرجات وغیره که نسخه
خطی آن در کتابخانه مرحوم آقا سید محمد بحر العلوم در نجف موجود
بوده و نسخه دیگری از آن کتاب بنام مقالات فعلا در تهران نزد فاضل
محترم آقای سلطانی نماینده مجلس شورای ملی موجود دارد و در قرن ششم
هجری تحریر یافته است بدین قرار میباشد

«بسم الله الرحمن الرحيم وبالله التوفيق والعون والثقة ان جميع فرق
[illegible]
[illegible]
من فرقها و آرائها واختلافها ومعرفتها وكشف تاريخ الاوقات [illegible]
[illegible]

آخر نسخه مزبوره بعبارت ذیل ختم میشود

«وعلی هذه الاحوال والمعانی التی وصفناها»

آغاز و انجام نسخه کتابخانه مجلس و نسخه آقای ... موافق

و بحث و سقط المقالات و ... اختلاف کلی

در جهت مقالات و ...

... سهو و اشتباه شده است

ج - اشتمال کتاب بمطالب غیر مربوطه

مؤلف کتاب ... برای ... کتاب ... چه

... چهارده

۴ ـ شیخ ابوالقاسم [illegible] بن [illegible]

۵ ـ برادر شیخ محمد بن [illegible]

۶ ـ خانم [illegible] والده شیخ ابوالقاسم [illegible]

[illegible] این [illegible] است که [illegible] [illegible]

نوبخت [illegible] [illegible] ولی [illegible] خانواده [illegible]

[illegible] اختلاف دارند [illegible] [illegible] [illegible] نوبخت [illegible]

[illegible] عبارت کتاب خاندان [illegible]

[illegible] نوبختی [illegible] آن را [illegible]

مؤلف کتاب خاندان نوبخت [illegible] صفحه ۲۱۳ [illegible]

چنین [illegible]

[illegible] نوبختی [illegible] ابوالقاسم حسین بن [illegible] [illegible]

ابوالقاسم حسین بن [illegible] [illegible]

خاندان نوبختی [illegible] کتاب حسین بن [illegible]

[illegible]

[illegible] این [illegible]

مؤلف کتاب خاندان نوبخت [illegible] حسین بن [illegible]

[illegible] کتاب [illegible] صفحه ۲۴۵ [illegible] است [illegible]

[illegible] کتاب [illegible] این [illegible]

حسین بن [illegible] حسین بن [illegible]

لغتهای تازه

۱

متخصص - استاد ویژه کار

در ترجمه کردن از زبانی بزبانی [illegible] کلمه ها [illegible] برابر هر کلمه هم‌معنی آن را بکار برد. مثلاً در ترجمه کلمه [illegible] از [illegible] که معنی [illegible] است [illegible] این کلمه [illegible] ترجمه کردن از فرانسه فارسی هم [illegible] کلمه را در برابر [illegible] بکار بریم نه اینکه از ریشه [illegible] کلمه [illegible].

از [illegible] ترجمه کنندگان بیشتر [illegible] ترجمه کنندگان [illegible] برابر یک کلمه بکار [illegible] کلمه [illegible] ترجمه [illegible] پیدا می‌شود.

[illegible] ترجمه علمی [illegible] کلمه های [illegible] فارسی [illegible] کلمه های بی‌معنی [illegible] و [illegible] از آن [illegible].

یکی از [illegible] کلمه متخصص است که در برابر Spezialist [illegible] Spezial [illegible] Spezialist [illegible] کسی را گویند که [illegible] کلمه‌ای را [illegible] دیگری [illegible] از [illegible] در فارسی [illegible] می‌گویند [illegible].

ترجمه کنندگان که از این نکته [illegible] بوده‌اند [illegible] که [illegible] کلمه [illegible] خود [illegible] از آنکه [illegible] کلمه‌های دیگری [illegible] فارسی [illegible] زبان [illegible] زبان‌شناسی [illegible] که هر [illegible] باید [illegible] کلمه [illegible] استقلال خود [illegible]

[illegible]

[illegible] کلمه متخصص در عربی معنی دیگری دارد [illegible] متخصص [illegible] معنی [illegible] دیگری [illegible] کلمه دیگری [illegible]

[illegible] کلمه [illegible]

مارا آزرده نسازید

با همه گفتارهایی که درباره عنوانهای پوچ و بیهوده در شماره‌های پیشین پیمان چاپ کردیم باز در نوشته‌هایی که بما می‌رسد گاهی آن عنوانها را می‌خوانیم . اگرچه برخی از آنها نتیجه عادتی است که از سالیان دراز در کار بوده و یکبار دست برداشتن از آن دشوار می‌باشد و اینست که خواه ناخواه گاهی از آن کلمه‌ها از قلم بیرون می‌تراود ولی پاره‌ای هم از اینجهت است که کسانی مقصود ما را از آن گفتارها درست ندانسته می‌پندارند که ما هر آنچه می‌نویسیم جز برای پر کردن صفحه‌ها نیست و لا اینجاست که اثری بر آن نگارشهامان نمی‌شمارند .

برای آگاهی این کسان است که در اینجا اعلان می‌نماییم که آنچه ما می‌نگاریم باین قصد است که خودمان بکار ببندیم و از دیگران هم توقع بکار بستن داشته باشیم و آنچه می‌گوییم و می‌نویسیم هرگز فراموش نمی‌کنیم .

ما از کلمه‌های « حضرت » و « جناب » و مانند اینها سخت بیزاری داریم که درباره کسی بکار نمی‌بریم . از دیگران هم چشم آن داریم که ما را از این عنوانها دور گرفته در نگارشهای خودشان از نوشتن این گونه لقبها و عنوانها خودداری نمایند و گرنه ما را آزرده ساخته‌اند .

پیمان

(فزونی رود کارون ـ اهواز)

از اهواز می‌نویسند:

در اثر بارندگیهای ممتدیکه از اوایل بهمنماه ۱۳۱۲ در کوهسارهای اطراف خوزستان شده بود آب رود کارون از روز ۱۶ بهمن رو بفزونی گذارده و به بلندی هفت ذرع و ده گره رسیده شهر اهواز را کاملا در مخاطره قرار داد و این فزونی آب تا ۲۷ بهمن امتداد یافته و بعد به اندازه‌ای بود که همه سال رو بزیاده میگذارد تخفیف یافت

طوریکه معروف است در سالهای ۱۲۹۰ و ۱۲۷۹ و ۱۳۰۲ شمسی مصادف با همین اندازه آب رود کارون زیاد شده که مانند این دفعه تمام باغها را گرفته و از دو طرف صحراهائی از کرده که فلاحین خانه‌های دیگر ... های خود را کشیده است

گرچه تلفاتی در این چند روزه روی نداده که قابل ذکر باشد ولی غالب مزارع مزروع از قبیل ... دچار گندیدگی و خرابی شده ماشین‌های آبکشی در اطراف رود کارون که از دو سال قبل گذارده شده دچار ویرانی گردیده است.

چنانکه طریق مهندسی ... با اقتضای ... از اهل محل رشته‌هائی از این رودخانه مجرا و مانند سابق قنوات کهنه تعمیر و ایجاد شود ممکن است هم از اینگونه خطرات جلوگیری شده باشد و زراعت های معتبری در اراضی بایر این سرزمین توان نمود.

کتابهای سودمند

ما آرزو داریم که این کتابها در هر خانه ای باشد وهر کس آنها را خواند راه تندرستی را بداند. وپدران و مادران از خواندن آنها وظیفه پدری و مادری را درباره فرزندان خود نیک بدانند.

۱ـ **چرا سوزاک و سفلیس معالجه نمی شوند؟**

تالیف دکتر توماتیانس در دو قسمت: قسمت اول درباره سوزاک قسمت دوم درباره سفلیس

۲ـ **بواسیر** ـ سبب تولید وعلایم ومعالجه آن تالیف دکتر توماتیانس

۳ـ **فرمولر طبی** تالیف دکتر توماتیانس

۴ـ **دستور مادران جوان.**

تالیف آقای دکتر حسینقلیخان قزل ایاغ

۵ـ **کلید صحت** تالیف دکتر قزل ایاغ

۶ـ **کتاب سفلیس وسوزاک** تالیف آقای دکتر پرویز صندوق

این کتابها را از کتابخانهای تهران و سایر خریداری نمایید.

***

از آقایان اطباء که کتابی در زمینه تندرستی و علاج امراض تالیف کرده اند خواهشمندیم که نسخه ای از آن را برای ما ارسال دارند یا نام آن را برای ما بنویسند تا خودمان از کتابخانها بدست بیاوریم واعلان آنرا نشر نمائیم.

هرگونه اعلانی در زمینه تندرستی که بدانوسیله بیماران فرستاده شود ما مجانی چاپ خواهیم کرد.

اعلان از هامبورگ

قابل توجه آقایان تجار

اعلاناً خاطر محترم آقایان تجار را مستحضر میدارد که اینجانب (ادریس حسین زاده خوئی) مقیم هامبورگ از این تاریخ به بعد مستقیماً برای معاملات خود حاضر است لهذا از هر قبیل اطلاعات تجاری لازم و مشاغل صادراتی و وارداتی خواسته باشند رأساً به آدرس ذیل مراجعه فرمایند [illegible] ایشان را [illegible] مخصوص [illegible] توسط تجارت خارجی [illegible] فرمایند تا اطلاعات موثق سریعاً داده شود

آدرس : هامبورگ ـ آقای ادریس حسین زاده خوئی

Idris Husein Zadeh
Postfach 950
Hamburg 1.
Allemagne.

تکفروشی پیمان

تهران کتابخانهای طهران و خارج

تبریز کتابخانه سروش

رشت تجارتخانه [illegible] کلام

اهواز دارالتجاره آقای [illegible]

رضائیه نزد آقای میرمحمدحسین کسرائی

نسخه ای دو ریال (دو قران)